

واژه‌نامه

ا - آ

-
- آب حیات:** آب زندگی، گویند چشمه‌ای است در ظلمات که هر کس از آن بیاشامد، جاودانه می‌شود و خضر پیامبر(ع) از آن آب نوشیده است.
- آبشخور:** سرچشمه، آبخور
- آذرخش:** صاعقه، برق، درخشش برق آسمانی
- آرمیدن:** آرام گرفتن، خوابیدن
- آزاده:** آزاد و وارسته، اصیل و نجیب، جوانمرد
- آزرده:** رنجیده، دلتنگ، ملول، به خشم آمده
- آستان:** درگاه، حضور، جناب
- آغازیدن:** شروع کردن
- آفت:** آسیب
- آلات:** ج آلت، وسیله‌ها، ابزار
- آموزه:** محتوا، درون‌مایه، آن چه آموزش داده می‌شود.
- آوخ:** آه، افسوس
- ابرازکردن:** آشکار کردن، ظاهر ساختن
- ابله:** نادان، جاهل
- ابواب:** ج باب، درها
- ابهام:** پیچیدگی
- احتیاط:** مراقبت، مواظبت در رفتار
- احزان:** ج حزن، اندوه‌ها
- اخترشناسی:** ستاره‌شناسی
- از برکردن:** به خاطر سپردن، در یاد نگاه داشتن
- استراق سمع:** پنهانی گوش کردن، دزدیده گوش کردن
- اشقیقا:** ج شقی، تیره روزان، تبه‌روزان
- اصحاب:** ج صاحب، یاران
- اظهار کردن:** بیان کردن
- اعجاب:** به شگفت آوردن، عجیب دانستن
- اعزاز:** عزیز داشتن، گرمی داشتن
- افراط:** زیاده‌روی کردن، از حد گذشتن
- اقرار داشتن:** اعتراف کردن، سخن را آشکار بیان کردن
- اقتدار:** قدرت داشتن، توانمندی
- اقلیم:** سرزمین، ناحیه، قلمرو
- التفات:** توجه کردن
- الْحَق:** حقیقتاً، به راستی
- المپیک:** منسوب به الومپیا (کوه معروف یونان) مسابقات و ورزش‌ها و بازی‌هایی که هر چهار سال یک بار با مراسم ویژه‌ای در یونان قدیم انجام می‌شد و از سال ۱۸۹۶م جنبه‌ی بین‌المللی یافت. اکنون مسابقات المپیک به صورت دوره‌ای در پایتخت یکی از کشورهای جهان در رشته‌های گوناگون ورزشی برگزار می‌شود.
- الوان:** ج لون، رنگ‌ها
- الهام:** در دل افتادن، چیزی که به صورت ناگهانی و رازآمیز در دل انسان وارد می‌شود.
- انحطاط:** پست شدن، فروافتادن
- انصاف:** عدل، داد
- انعام:** بخشش، نعمت دادن (توجه، تلفظ این کلمه را با واژه‌ی «انعام» که به معنی چهارپایان است، اشتباه نکنید.)
- اوان:** هنگام، زمان
- اوج:** بلندی، نهایت
- اولیا:** ج ولی، یاران، دوستان، مردان حق، عارفان، اولیاء الله

ب

بی کران : بی انتها، بی پایان

بیشش : بینایی، بصیرت



بار : این کلمه در ترکیب «بار خدا یا» به معنای آفریننده و نیکوکار است.

بار آور : ثمربخش

باطن : درون، داخل هر چیز، ضمیر

بالش : بالیدن، رشد کردن

بالین : بستر، آن چه در هنگام خواب زیر سر قرار می دهند.

بخرَد : خردمند، عاقل

بدرقه : راهنما، راهبر، پاسبان، نگهبان، پشت و پناه،

مشایعت و همراهی

بدیهی : آشکار، روشن

برنَوَشتن : در نور دیدن، پیچیدن، برچیدن

بَر : خشکی، بیابان

بُردبار : شکبیا، صبور

بساط : فرش، گستردگی، هر چیز گستردنی مانند فرش

و سفره

بُستان : گلستان، گلزار

بُغض : گرفتگی و ناراحتی درونی از غصه

بلند آوازه : مشهور، نامدار

بُن : ریشه، ته، انتها

بَنات : ج بنت، دختران

بنیاد : اساس، اصل، شالوده، بنیان

بوأ : نوعی مار بزرگ، ماری بزرگ و بی زهر که در آمریکای

شمالی و جنوبی پیدا می شود. درازی آن به بیش از پنج

متر می رسد. حیوانات را شکار می کند و برای کشتن و

خُرد کردن شکار خود، دور کمر آن می پیچد و آن قدر فشار

می دهد تا استخوان های شکار خُرد شود، اژدر مار

بُوم : جغد، پرنده ای که به شومی معروف است.

به حق : به راستی، حقیقتاً

پ



پاس : بخشی از شب یا روز

پاکباز : پاک باخته، وارسته

پویش : به شتاب رفتن، جست و جو کردن

پویه کردن : دویدن، پویدن

پیمان : عهد، قرارداد

ت



تُحفه : پیشکش، هدیه، ارمغان

تحوّل : دگرگونی

تخت گاه : جایگاه مخصوص که پادشاهان بر آن می نشینند.

تداعی : از یک معنی به معنی دیگری بردن، به باد آوردن

ترجیح دادن : برتری دادن

تسبیح : خدا را به پاکی یاد کردن، نیایش کردن

تعالی : بلند پایه، بلند مرتبه

تعرض : دست درازی، تجاوز، حالتی از اعتراض

تفرّج : گشت و گذار، تفریح

تفریط : کوتاهی کردن در کاری

تقدیر : قسمت و سرنوشتی که خداوند برای بندگان خود

معین فرموده است، فرمان خدا

تقوا : پرهیزکاری، پاک دامنی

تک : ته، پایین، قعر

تکبیر : غرور و خودبینی

تَل : تپه، هر چه که روی هم توده و انباشته شده باشد.

تلخیص : کوتاه کردن

تمنّا کردن : خواهش کردن، التماس کردن

تمییز: فرق گذاشتن، هوش و فراست، قوه‌ی شناخت
تن آسانی: تنبلی، تن پروری
تنگ داشتن: سخت گرفتن
تنگ شدنِ نفس: به سختی افتادن، بسیار مضطرب و
پریشان شدن (کنایه)
تنبیه: هوشیار کردن، آگاه ساختن کسی بر کاری
توان فرسا: فرسوده کننده، نابود کننده
توبره: کیسه‌ی بزرگ
توقع: انتظار داشتن
تهذیب: پاکیزه کردن، خالص کردن
تُهمت: گمان بد، افترا

جوانب: ج جانب، اطراف، کناره‌ها
جوهر: اصل، جوهر دانایی: اصل و اساس آگاهی و
هوشیاری
جوهره: اصل و گوهر هر چیز، جوهره‌ی وجود: اصل
هستی
جهالت: نادانی
جهد: کوشش، تلاش

ج

.....
چشم روشن کردن: شاد و خوش حال ساختن

ث

.....
ثمر: میوه، بار، بهره، نتیجه
ثنا: ستایش، آفرین

ج

.....
جامه: لباس، پوشاک
جان فرا: آن چه به انسان روح و نشاط دهد، افزایشده‌ی جان
جاه: مقام، درجه، شُکوه
جزع: بی صبری، زاری، بی تابی
جستن: رهاشدن، گریختن، جهیدن
جفایبشه: ستمکار
جگر آور: دلیر، شجاع
جگر دوز: شکافنده‌ی جگر
جلال: بزرگی، شکوه
جَلَّ: بزرگ است (برای پروردگار به کار می‌رود)
جمله: همه، همگی

ح

.....
حاجت: نیاز، خواسته
حتی الامکان: تا جایی که ممکن باشد.
حدیث: سخن، خبر و قولی که از پیامبر اسلام (ص) و
ائمّه علیهم السّلام نقل شده باشد.
حرص: طمع، آز
حُرمت: ارج و احترام، حرام بودن
حریف: رفیق، همکار، هم حرفه
حُقّه: ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیزهای دیگر،
نگه‌داری شود.
حکمت: دانش، علم به حقایق اشیا
حکیم: دانشمند، عالم

خ

.....
خاستن: بلندشدن
خاصّه: به ویژه، مخصوصاً

خردمند: عاقل، دارای عقل و اندیشه

خرقه: لباس، جامه‌ی عارفان و درویشان

خسرو: پادشاه، لقب چند تن از پادشاهان ساسانی

خشخاش: نوعی گیاه دارای ساقه‌ی باریک

خِصَال: جِ خِصَلت، ویژگی‌ها

خِصَلت: خوی، ویژگی

خِصَم: دشمن، بدخواه

خَط: راه راست و دراز، خَطِّ دشمن: حالت قرار گرفتن

دشمنان که در یک راستا ایستاده باشند.

خِلاص: رهایی، رستن

خِلعت: جامه‌ی دوخته که از طرف شخصی بزرگ

به‌عنوان جایزه یا انعام به کسی داده می‌شود.

خِلل: فساد و تباهی

خِوَار: بی ارزش، پست

خِوَض نمودن: در امری اندیشیدن، به عمق و ژرفای

چیزی فکر کردن

خِیابان: این کلمه در ص ۱۲۷ شعر اقبال لاهوری، به

معنای «باغ و بوستان» به‌کار رفته است.

خِیره: بیهوده، بی‌پروا

دستور: اجازه، فرمان

دست‌یازیدن: قصد کردن، دست انداختن به چیزی

دَف: یکی از آلات موسیقی دارای حلقه‌ای چوبی و

پوست نازک که با سر انگشتان نواخته می‌شود.

دل‌گزا: گزنده‌ی دل، آزار دهنده، دل‌آزار

دُون: پایین، فرومایه و پست

دِیَار: جِ دار، شهرها، خانه‌ها

دِیبا: پارچه‌ای ابریشمی رنگین

دِیر پاییدن: پایدار ماندن، دِیر یای: پایدار، بادوام

دِیرینه: قدیمی، کهن

ذ

ذخایر: جِ ذخیره، اندوخته‌ها، پس‌اندازها

ذَلت: خواری، پستی، دلیل گشتن

ر

راسو: جانوری بزرگ‌تر از موش خانگی

راهبُرد: راهبری، روش و فنی برای هدایت بهتر

رحلت: سفر کردن، کوچ کردن

رُخصت: اجازه، دستور

رَسَتن: رهاشدن، آزاد شدن

رُعیایا: جِ رعیت، عموم مردم، مردم فرمان‌بردار

رکاب‌دادن: سواری دادن

رَمَق: توان، نیرو

روا کردن: روان ساختن، سزاوار ساختن

روان: جان، روح

راهبر: راه‌برنده، راهنمایی‌کننده

د

داد: انصاف، عدل

داعیه: انگیزه، عِلت

دخِل: درآمد

در غلط‌شدن: دچار اشتباه‌شدن، تصوّر ناسنجیده کردن

دِرَم: سکه‌ی نقره، پول نقد، دِرهم

دریغ: افسوس، اندوه

دریغ کردن: خودداری کردن از کمک به کسی، مضایقه کردن

دست‌تنگ: تنگ‌دست، تهی‌دست

ز

در خود سپردن: در خود حفظ و نگه‌داری کردن

سپهر: آسمان، فلک، چرخ

سرا: خانه

سرزندگی: سرحال بودن، شادابی و چالاکی

سرکش: عاصی، نافرمان

سریر: تخت، اورنگ

سعادت: خوش بختی، نیک بختی

سکته: سکوت، اختلال ناگهانی و شدید یکی از اندام‌های

حیاتی که موجب به خطر انداختن زندگی شود.

سُلاله: نسل، خلاصه‌ی هر چیز، برگزیده

سیمج: بی شرم، زشت، گستاخ

سیرت: خُلق و خوی

سیم‌گون: نقره‌گون، سبیدفام

زار: رنجور، ضعیف

زفت: درشت

زفت: تند و بی‌ارزش

زنگار: آلودگی و غبار، زنگ فلزات و آینه

زمزمه: ترنم کردن، نغمه، سرود، هر سخن پنهان که فهمیده نشود.

زهره: جرئت، شهامت

زی: به‌سوی، سوی

زینهار: بیرهیز، آگاه باش، برحذر باش

ژ

ژرف: عمیق

ژولیده: آشفته، آن که سر و وضعی نابسامان دارد.

ش

شرارت‌آمیز: بدکرداری، آمیخته به فتنه و بدی

شَطّ: رود بزرگ که وارد دریا شود.

شفاعت: خواهشگری، درخواست بخشش یا کمک از

کسی برای دیگری

شکیبا: بردبار، صبور

شورستان: شوره‌زار، نم‌کزار

شوریده: آشفته، پریشان حال

شهریه: ماهیانه، حقوق ماهیانه

شیرازه: در لغت به معنی ته‌بندی و جزوه‌بندی و آن پارچه

و چسبی که در چاپ و صحافی کتاب به کار می‌رود،

ولی در شعرخوانی «ایران» اثر شاعر تاجیکی، این کلمه

به معنای عامل استواری، دوام و ارزش و اعتبار به کار

رفته است.

سالار: سردار، رئیس

سامان: آرام و قرار، نظم و انضباط

سبزینه‌پوش: سبزپوش، کسی که جامه‌ای با رنگ سبز بر تن دارد.

سبقت: پیشی گرفتن، جلو افتادن

سَبَبک: روش، شیوه، اُسلوب

سبو: کوزه‌ی سفالی

ستوه: خستگی، افسرده، به ستوه آمدن: بی‌چاره شدن،

دل‌تنگ و خسته شدن

سپردن: چیزی را برای نگه‌داری به کسی دادن،

ص

عَجَم: غیرعرب، در شعر علامه اقبال لاهوری این کلمه به معنای «ایرانی» است.

عدل: در درس اول این کلمه به معنی «عادل» به کار رفته است، مردمی عدل، یعنی مردمی عادل.

عدو: دشمن، بدخواه

عریضه: نامه‌ای که کسی به شخص بالاتر از خود بنویسد.

عَزَّ: ارجمندی

عَزَّ: عزیز است (برای پروردگار به کار می‌رود، «عَزَّ وَجَلَّ» یعنی عزیز و بزرگوار است.)

عزیمت: قصد کردن، دل بر کاری نهادن، آهنگ کردن

عشوه: ناز، کرشمه

عطا: بخشش

عُقده: گره، بند

عَلَّیْن: جمع عَلَی، بلندی‌ها، بلندترین درجه‌ی بهشت

عَنْب: انگور

عهد: پیمان، سوگند

عیال: همسر، همسر و فرزند، خانواده

عیان: آشکار، ظاهر

صادق: راست‌گو، درست‌کردار

صلاح: نیکی، درست‌ی، مصلحت

صلح‌افکندن: آشتی‌دادن

صُنْع: آفرینش، احسان، ساختن و نیکویی کردن

صواب: درست

صورت‌نبتند: قابل‌تصوّر نیست، به‌نظر نمی‌آید، ممکن نمی‌شود.

صومعه: عبادتگاه، دیر، محل عبادت

ض

ضمان: پذیرفتن، بر عهده‌گرفتن کار

ط

طبع: خوی، سرشت

طراوت: شادابی، تازگی و نشاط

طَرَار: دزد، راهزن

طریقت: راه و روش

طعن: سرزنش، عیب‌کسی را گفتن

طنین: آواز، صدا

طیب: بوی خوش

غ

غریب: بیگانه، ناآشنا

غفلت: ناآگاهی، بی‌خبری، جهالت

غَنَا: توانگری، بی‌نیازی

غنی: سرشار، بی‌نیاز

ع

عار: عیب و تنگ، باعث سرافکنندگی

فارغ: آسوده

عامی: بی‌سواد، ساده‌لوح، مردم بی‌دانش

فاضل: برتر، دانا، اهل فضل

عایدگشتن: به‌دست‌آمدن، سود کردن

فام: رنگ (پسوندی است برای رنگ، سبزه فام: سبزه رنگ)

فراخ: گشادگی، وسعت، گسترده

فراخ دلی: بی باکی، بُردلی، آسودگی خیال

فراز: بلندی، اوج

فراست: هوشمندی، زیرکی باطنی

فراغت: آسودگی، رهایی

فروتوت: پیر، سالخورده

فرج یافتن: رهاشدن از مشکلات، گشایش یافتن در کار

فرزانه: دانشمند، فاضل، بسیار دان

فرو تراشید: گوشت آن ریخت، تراشیده شد، فرو ریخت

فروزان: تابان، درخشان

فرو کاستن: پایین آمدن، به زیر آمدن

فرهنگ: دانش، ادب، مجموعه‌ی آداب و آیین، باورها، ارزش‌ها

فرهپخته: ادب آموخته، تربیت شده

فضیلت: افزونی در علم، نیکویی‌های اخلاقی

فطرت: سرشت، صفت طبیعی انسان

فُلان: اشاره به یک شخص یا یک چیز نامعلوم و مبهم

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

فنا: نابودی، نیستی

ک

.....

کام: آرزو، میل و خواسته

کاهل وار: از روی تبیلی، با سُستی، مانند تنبل‌ها

کبریا: بزرگی و شُکوه

کران: کنار، کناره، ساحل

کَرَم: جوان‌مردی، بزرگواری، بخشش

کشمکش: ستیزه، جدال، به هم درآویختن

کمند: طناب، بند، رشته‌ای ضخیم و بلند که برای

گرفتار ساختن انسان یا حیوان به کار می‌رود.

کمینگاه: محلّ پنهان شدن برای از یاد آوردن دشمن یا

شکار، مخفیگاه

کُنّام: جایگاه حیوانات درنده

کین: کینه، دشمنی

کیوان: سیاره‌ی زُحَل

.....

.....

گران‌مایه: عزیز، گران قدر، ارجمند

گردان: چرخنده، گردش‌کننده

گرو: قید، بند، پول، مال یا چیزی که به‌عنوان شرط و

ضمانت انجام کاری نزد کسی گذاشته می‌شود تا پس از

.....

.....

.....

ق

.....

قابلیت: توانایی

قحطی: خشک‌سالی، نایابی

قریب: نزدیک، در حدود

قریحه: ذوق و استعداد

قضا: حکم الهی که در حقّ مخلوق واقع شود.

قُنوس: پرنده‌ی افسانه‌ای که گویند در آتشی که خود

پایان کار، باز گرفته شود.

گِزاف: بسیار، بی حساب، بیهوده

گِزند: آسیب

گِشاده‌رو: با نشاط و خندان

گلاویزشدن: به هم آویختن دو یا چند نفر هنگام زد و خورد

گیوه: نوعی کفش که رویه‌ی آن از نخ یا ابریشم بافته می‌شود و ته آن از چرم یا پارچه است.

ل

.....

لاف‌زدن: خودستایی کردن، ادعای زیاده از حد، بیهوده‌گویی

لُغوی: لغت‌دان، کسی که علم لغت می‌داند و واژه‌ها را خوب می‌شناسد.

لوح: وسیله‌ای شبیه تخته که شاگردان در قدیم بر روی آن می‌نوشتند، لوحه

م

.....

ماء: آب، ماء معین: آب پاک و روان

مآئده: طعام، خوردنی، سفره

مات: سرگشته، سرگردان

ماتم: سوگ، عزا

مایه‌گرفتن: زاده‌شدن، به‌وجود آمدن، بارورشدن

مُنبَطِل: باطل‌کننده

مبهوت: شگفت‌زده، حیران، متحیر

مَتَاع: کالای باارزش، چیز گران‌بها

متحیر: سرگردان، حیران

متفرّق: پراکنده

مَتَقَدِّم: دارای تقدّم، پیشین

مَتَهَم: کسی که کار بدی به او نسبت داده شود، تهمت

زده شده، مورد تهمت واقع شده

مُحال: ناشدنی، غیرممکن

مُحاوَره: گفت و گو، گفتار

مَحَضَّر: جای حضور، درگاه

مَحْفُوظ: حفظ‌شده، نگاه‌داری شده

مَخْتَصِر: کم و کوتاه، ناچیز

مَخُوف: وحشتناک، ترسناک

مَدَهوش: سرگشته، سرگردان

مَدیون: وام‌دار، بدهکار

مُرَاد: خواسته‌شده، مقصود و هدف

مَرهون: گرو داده شده، گرو رفته، مدیون، بدهکار

مستلزم: نیازمند

مستمع: شنونده

مُسَخَّر: رام و مطیع

مَشَقَّت: سختی، دشواری

مُصاحبت: هم‌صحبتی، هم‌نشینی، دوستی

مُصائب: ج مصیبت، بلاها و سختی‌های بزرگ

مُصِرّ: اصرار‌کننده، پافشاری‌کننده

مَصُون: حفظ‌شده، در امان مانده

مَعَارِج: ج معراج، نردبان‌ها، آنچه به‌وسیله‌ی آن بالا روند.

معصیت: گناه، نافرمانی

معمول: متداول، رایج، مرسوم

معیشت: آنچه به‌وسیله‌ی آن امرار معاش می‌کنند، زندگی

مُغیَیلان: گیاه خاردار که میوه‌ای شبیه باقلا دارد، این

کلمه در اصل «اُمُّ غیَیلان» بوده است، به معنی مادر دیوها و

غولان؛ چون در قدیم فکر می‌کردند که دیوها و غول‌های

بیابانی زیر این بوته‌ها پنهان می‌شوند و مسافران و اهل

کاروان را گمراه می‌کنند.

مَفْتُون : شیفته، فریفته، شیدا و عاشق

مَقْدُور : آن چه در قدرت شخص باشد، امکان پذیر

مَقَر : قرارگاه، جای قرار و آرام

مَقْرَب : نزدیک شده، کسی که قُرب و منزلت پیدا کرده باشد.

مَقْرُون : نزدیک به هم، به هم پیوسته

مَقْطَع : بریده، قطع شده

مَقْهُور : شکست خورده، مغلوب شده

مُلازِم : همراه

مِلاطِفَت : لطف و مهربانی، نیکویی

مِلْتِمَسانِه : با التماس، از روی خواهش

مُلاحِق : پیوسته، کسی یا چیزی که به دیگری پیوسته و متصل شده باشد.

مَلِک : پادشاه، دارای قدرت و سلطه

مُلْک : پادشاهی، مملکت، فرمانروایی

مَلاَح : ملوان، کشتیبان

مَلُول : بیزار، اندوهگین، آزرده و خسته

مُناظِرِه : بحث و گفت و گو کردن برای شکست دادن طرف مقابل، گفت و گوی رویارو برای غلبه بر دیگری و اثبات سخن خود.

مُنْجِی : نجات بخش

مُنْظَم : آراسته و مرتب

مَنی : تکبر، غرور، خودپسندی

مِواعِظ : ج موعظه، پندها، اندرزها

مِهْتَر : بزرگ، رئیس

مَهْد : گهواره، زمین هموار

مِهْر : خورشید

مِهْرگان : جشنی باستانی که پس از عید نوروز از بزرگترین جشن های ایرانیان کهن بوده است.

مَهیل : مگذار، فرومگذار، هلیدن : گذاشتن، هِشتن

میان دو نماز : زمان میان دو نماز ظهر و عصر

میغ : ایر، سحاب

می کِشان : باده نوشان، می خواران که در سروده ی

امام خمینی (ره) منظور از آن عارفان و عاشقان حضرت ولی عصر (عج) است.

ن

ناکامی : به مقصود نرسیدن، بی بهره شدن

نام آور : مشهور، نامدار

ناهید : ستاره ی زهره

نَبات : گیاه

نَحیف : لاغر، نزار، رنجور

نُصرت : یاری، کمک

نقد : بررسی نکته های خوب و بد یک اثر و کار یا رفتار،

آشکار ساختن زیبایی ها و کاستی های یک اثر یا عمل و

بیان راه های اصلاح و تقویت آن

نوروز : روز نو، روز اوّل فروردین که جشن ملی و

باستانی ایرانیان است.

نهار : روز (توجه : کلمه ی «نهار» واژه ای عربی است به

معنای روز، ولی کلمه ی «ناهار» فارسی است و ربطی با

آن واژه ندارد.)

نَهْفَت : پناهگاه، محلّ پنهان شدن، مخفیگاه

نَهْفَتَن : پنهان کردن، مخفی کردن

نَهیب : هراس، ترس، بانگ

نِیت بَدَل کردن : تغییر عقیده دادن، نظر خود را عوض

کردن

نیکو خصال : دارای ویژگی های پسندیده

نیام : غلاف شمشیر

و

به کار می‌رود، آگاه باش

هراس : ترس و بیم

هَرز رفتن : هدر رفتن، بیهوده و بی‌ثمر شدن

هماره : همواره، همیشه، پیوسته

همزاد : هم‌سن و سال

همزیستی : باهم زندگی کردن

همگن : از یک نوع، از یک جنس، همگون، همانند

هورا : صدای بلند و پیوسته برای شادی و تحسین

هیاهو : غوغا، جار و جنجال، سر و صدا، آشوب

هیئت : شکل و صورت

واداشتن : وادار کردن، برانگیختن

وارهیدن : آزاد شدن، رها شدن

واقف : آگاه، باخبر

والا : ارجمند، بلند مرتبه

وجه معاش : پولی که صرف هزینه‌ی زندگی شود

وحشت : ترس، بیم و هراس

وداع کردن : خدا حافظی کردن

ورد : ذکر و دعای زیر لب، دعایی که آهسته بر لب جاری

شود.

وقوف : آگاهی

وَهله : مرحله، دفعه و بار

ی

یزدان : خدا، ایزد، پروردگار، الله

یقین : بصیرت، علم، اطمینان قلبی

یمن : خیر و برکت، خجستگی، مبارکی

ه

هان : کلمه‌ای که هنگام آگاه‌ساختن یا تأکید و هشدار

اعلام: اشخاص

ا-ا

آرش: آرش از پهلوانان تاریخ ایران کهن و از سپاه منوچهر پیشدادی بود. وی در کمان‌داری شهرت داشت. در آخر دوره حکمرانی منوچهر قرار بر آن شد که دلاوری ایرانی تیری رها کند و هر جا که تیر فرود آید، مرز ایران و توران باشد. آرش پهلوان ایرانی از قلّه‌ی دماوند تیری پرتاب کرد که از بامداد تا نیم روز برفت و به کنار رود جیحون فرود آمد و آن جا مرز ایران شناخته شد. آرش برای آن که به عظمت و وسعت کشور خود بیفزاید با تمام نیرو، کمان را کشید و جان خویش را در راه میهن فدا کرد.

آریوبرزن: یکی از سرداران بزرگ و دلیر ایران در زمان داریوش سوم هخامنشی که در حمله‌ی اسکندر به ایران با شجاعت در مقابل سپاه مقدونیان، ایستادگی نمود.

آوینی، سید مرتضی: شهید مرتضی آوینی در سال ۱۳۲۶ متولد شد. او نویسنده، فیلم‌ساز و سردبیر مجله‌ی «سوره» بود. از فیلم‌های او می‌توان به «خان‌گزیده‌ها»، «حقیقت»، «روایت فتح» و «سراب» اشاره کرد. وی در سال ۱۳۷۲ در منطقه‌ی فکّه به شهادت رسید.

ابلیس: شیطان، موجودی که موجب گمراهی، شرک، غرور، ظلم و نگون‌بختی افراد بشر می‌گردد. در قرآن و روایات اسلامی آمده است که وی چون بر آدم (ع) سجده نکرد و از فرمان الهی سرپیچید، از درگاه احدیت رانده شد و به گمراه کردن خلق پرداخت.

ابوذر غفاری: (وفات ۳۲ هـ.ق) منسوب به قبیله‌ی غفار، از بزرگان صحابه‌ی پیامبر (ص) و از مؤمنان صدر اسلام است. گویند وی پنجمین نفری است که اسلام آورده است.

ابوعلی، سینا: (۳۷۰-۴۲۸ هـ.ق) از دانشمندان بنام قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است. در بخارا کسب علم کرده و در ده سالگی قرآن را از حفظ داشت. در جوانی پادشاه سامانی، نوح بن منصور، را معالجه کرد و از کتاب‌خانه‌ی گران‌بهای او بهره‌ها برد. در سفری به همدان در راه بیمار شد و در آن شهر درگذشت. از آثار او می‌توان به کتاب شفا، کتاب قانون و دانش‌نامه‌ی علایی اشاره کرد.

اخوان ثالث، مهدی: از شاعران بزرگ ادبیات معاصر که در اسفند ماه ۱۳۰۷ در شهر مشهد متولد شد. اولین مجموعه‌ی شعرش در سال ۱۳۳۰ به نام «ارغنون» به چاپ رسید. وی هم به شیوه‌ی کهن و هم به شیوه‌ی نو‌نیمایی شعر می‌سرود. وفات وی در چهارم شهریور ماه ۱۳۶۹ اتفاق افتاد. اخوان ثالث در جوار آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی در باغ شهر توس به خاک سپرده شده است.

اسلامی ندوشن، محمد علی: وی در سال ۱۳۰۴ هـ.ش در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. اسلامی از نویسندگان خوش قلم معاصر است که نثری شیرین و دل‌نشین دارد. کتاب «روزها»ی وی یکی از نمونه‌های برجسته‌ی زندگی‌نامه‌نویسی در زبان فارسی امروز است.

اصحاب کهف (یاران غار): چند تن از اهالی یونان بودند که در زمان دقیانوس بت پرست به خداپرستی گراییدند و از بیم دقیانوس به غاری داخل شدند و خفتند. خواب ایشان ۳۰۹ سال طول کشید

و چون از خواب برخاستند یکی از ایشان در طلب غذا به شهر رفت و چون سکه‌ی او متعلق به عهد دقیانوس بود او را پیش حاکم شهر بردند. دانشمندی در مجلس حاکم واقعه را دریافت. مردم خواستند ایشان را به شهر آورند. اصحاب کهف راضی نشدند و دعا کردند تا خداوند ایشان را بمیراند.

اعتصامی، پروین: شاعر پرآوازه‌ی زبان فارسی است که در سال ۱۲۸۵ شمسی در شهر تبریز دیده به جهان گشود. سروده‌های او در زمینه‌ی موضوع‌های اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است و حالتی اندرزگونه دارد. پروین در سال ۱۳۲۰ خورشیدی درگذشت؛ آرامگاه وی در شهر قم، کنار صحن حضرت معصومه (س) قرار گرفته است.

امین پور، قیصر: از شاعران برجسته‌ی انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «به قول پرستو»، «در کوچه‌ی آفتاب»، «تنفس صبح» و «آینه‌های ناگهان» از آثار اوست. قیصر امین پور در سال ۱۳۸۶ درگذشت.

اوحدی مراغه‌ای: شاعر عارف قرن هشتم که به سبب ولادت در مراغه، به مراغه‌ای و به سبب سکونت در اصفهان به اصفهانی مشهور است. اوحدی قسمت اخیر عمر خود را در آذربایجان به سر برده و در آن جا مثنوی «جام جم» را سروده است. وی دیوانی شامل قصاید، غزلیات و رباعیات دارد.

ب

بابا جان، علی: علی بابا جان از شاعران کشور فارسی زبان، تاجیکستان است. در سال ۱۹۳۶ میلادی (۱۳۱۵ شمسی) در تاجیکستان متولد شد. سال‌های زندگی خود را به روزنامه‌نگاری و سرودن اشعار برای کودکان و نوجوانان و بزرگسالان سپری کرد. در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۷) به ایران سفر کرد و این سروده (شعر «ایران») که از کتاب «نمک زندگی» او است بیانگر عشق و دلبستگی شاعر به فرهنگ و ادب ایران است.

بوشکور بلخی: بوشکور بلخی از شاعران نیمه‌ی اول قرن چهارم است. از اشعار او ابیات پراکنده‌ای در دست است.

بهار، محمد تقی: «بهار» در سال ۱۲۶۶ هـ.ش در مشهد به دنیا آمد. او تحصیلات مقدماتی را نزد پدر فرا گرفت و از مکتب ادیب نیشابوری نیز بهره‌مند شد. بهار از کودکی شعر می‌سرود. نخستین اشعار سیاسی و اجتماعی خود را در روزنامه‌ی خراسان به چاپ رسانید. او دوران زندگی خود را به مطالعه، تدریس، پژوهش و مبارزه با حکومت ظالم زمان خود گذراند و در سال ۱۳۳۰ هـ.ش از دنیا رفت. برخی از آثار بهار عبارتند از: سبک‌شناسی، تاریخ احزاب سیاسی، دیوان اشعار و ...

بیدل دهلوی، میرزا عبدالقادر (۱۱۳۳-۱۰۵۴ هـ.ق): وی در عظیم‌آباد هندوستان متولد شد و از شاعران بزرگ فارسی‌زبان به‌شمار می‌رود. او در آثار خویش اندیشه‌های لطیف عرفانی را با مضامین پیچیده درآمیخت و شیوه‌ی بیان و سبک ویژه‌ای را به کار بست.

بیرونی، ابوریحان: ابوریحان محمد بن احمد، ریاضی‌دان و فیلسوف ایرانی (۳۶۲-۴۴۰ هـ.ق) اوایل عمر را در دربار خوارزمشاهیان گذراند. سپس چند سال در گرگان، در دربار قابوس بن وشمگیر به سربرد. پس از آن محمود غزنوی او را با خود همراه ساخت و در اکثر جنگ‌های محمود در هندوستان

همراه او بود. با دانشمندان هند مصاحبت داشت و مواد لازم را برای تألیف کتاب «تحقیق ماللهند» فراهم آورد. از آثار مهمّ او می‌توان به کتاب «التفهیم» اشاره کرد.

بیهقی، ابوالفضل: ابوالفضل محمدبن حسین (۳۸۵-۴۷۰ه.ق) دبیر دانشمند دربار سلطان محمود و مسعود غزنوی است. وی پس از کسب معلومات در نیشابور به دیوان رسایل محمود غزنوی راه یافت و در خدمت ابونصر مُشکان به کار پرداخت. اثر معروف او «تاریخ بیهقی» است.

ج

جهان آرا، محمد: یکی از فرماندهان شجاع و دلاور سپاه ایران در اوایل انقلاب و دوران جنگ تحمیلی که در مقاومت و حفظ و حراست از خرمشهر نقش بسزایی داشت. او در حادثه‌ی انفجار بمب در هواپیما به شهادت رسید.

ح

حاسب (استاد): احمد بن عبدالله مروی از منجمان و ریاضی‌دانان بود. وی به علّت مهارت در محاسبات به «حاسب» (حسابگر) معروف گردید.

حافظ: خواجه شمس الدین محمد، حافظ شیرازی معروف به لسان الغیب، از بزرگ‌ترین شاعران غزل‌سرای ایران و جهان است که در قرن هشتم می‌زیست. گفته‌اند چون قرآن را از بر داشت، «حافظ» تخلص گرفت. آن چه از محتوای شعر حافظ به دست می‌آید، تسلط وی به زبان عربی و تبخّر او در علوم مختلف است. دیوان او سرشار از آموزه‌های عرفانی و حکمت الهی است. آرامگاه او در باغ زیبایی در شمال شهر شیراز واقع شده که به «حافظیه» معروف است.

حسنک (وزیر): ابوعلی حسن بن محمد میکال مشهور به حسنک، وزیر سلطان محمود غزنوی بود. وقتی که سلطان مسعود بر جای پدرش نشست، بدخواهان حسنک، سلطان مسعود را علیه وی تحریک کردند. سپس به دستور سلطان مسعود به دلیل بدبینی و حسادت دیگران، اموالش مصادره گردید و به دار آویخته شد. بیهقی ماجرای بر دار شدن حسنک را به تثری دل‌نشین و زیبا در کتاب تاریخ خود آورده است.

حنظله بادغیسی: وی از قدیمی‌ترین شاعران فارسی‌گوی پس از اسلام و معاصر سلسله‌ی طاهریان بوده است. وفات او را حدود سال ۲۲۰ هجری قمری نوشته‌اند.

خ

خواجه عبدالله انصاری: شیخ الاسلام ابواسماعیل بن محمد انصاری هروی معروف به پیرانصار و پیر هرات (۳۶۹ه.ق - ۴۸۱ه.ق) در هرات به دنیا آمد. وی زبانی گویا و طبعی توانا داشت. شعر پارسی و عربی را نیکو می‌سرود اما شهرتش بیش‌تر به سبب کتاب «مناجات‌نامه»

و «الهی نامه» است که نثری آهنگین و موسیقایی دارد. خواجه عبدالله از پیش گامان نثر مسجع به شمار می‌آید.

خواجه نصیرالدین توسی: ابو جعفر نصیر الدین محمد بن حسن توسی از علمای بزرگ ریاضی، نجوم و حکمت ایران در قرن هفتم و نیز از وزیران بزرگ آن دوره است که با تدبیر خاصی از خرابی شهرها و کشتار دسته‌جمعی مردم به دست هلاکو جلوگیری کرد. این دانشمند با تدبیر یکی از فقهای مذهب تشیع است که هلاکو را به ایجاد رصدخانه‌ی مراغه تشویق کرد. کتاب «اخلاق ناصری» از مشهورترین تألیف‌های او است.

خواجه نظام الملک: نظام الملک از وزیران و دانشمندان مشهور قرن پنجم است که در توس متولد شد. مدت وزارت نظام الملک سی سال بود. بسیاری از پیشرفت‌های سلجوقیان در امور داخلی کشور، مدیون کردانی و لیاقت وی بود. مدارس بسیاری بنا نهاد که پس از وی به مدارس «نظامیه» شهرت یافت. کتاب «سیاست نامه» از جمله کتاب‌های مشهور فارسی است که وی به نگارش درآورده است.

خوارزمی: ابوبکر محمد بن عباس (وفات: ۳۸۳ ه.ق) از دانشمندان معروف است. اصل وی از خوارزم و مادرش اهل طبرستان و خواهر محمد بن جریر طبری بود. وی در حفظ اشعار، علم لغت، نحو و شعر و ادب زبان عربی، کم نظیر بود.

خیام: حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم معروف به خیام نیشابوری شاعر، فیلسوف، ریاضی‌دان، منجم ایرانی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است.

د

دستان: لقب زال، پدر جهان پهلوان ایرانی، رستم، است. زال پس از تولد به دلیل سفیدی مو از سوی پدر (سام) رانده شد و به کوه البرز برده شد. در آن جا سیمرغ او را پرورش داد، چون جوانی برومند شد با «رودابه» دختر شاه کابلستان ازدواج کرد، رستم حاصل این ازدواج بود.

ر

رابعه عدویه: از زنان پارسا و پرهیزکار ایرانی‌تبار قرن دوم هجری قمری که در عبادت و نیکوکاری مشهور است. وی در سال ۱۳۵ قمری در بیت المقدس درگذشت و مزار او بالای کوه طور در قدس شرقی زیارتگاه مردم است. از او سخنان شیرین و آموزنده‌ای به جای مانده است.

رازی، زکریا: ابوبکر محمد بن زکریای رازی (تولد ۲۵۱، درگذشت ۳۱۳ و به قولی ۳۲۳ ه.ق) در شهر ری به تحصیل فلسفه، ریاضیات، نجوم و ادبیات پرداخت و در بزرگ سالی به تعلیم طب مشغول شد و پس از شهرت در این علم به خدمت ابوصالح منصور سامانی حاکم ری درآمد و به زودی ریاست بیمارستانی را که در آن شهر تأسیس شده بود، برعهده گرفت. از این حکیم و عالم بزرگ آثاری نیز برجای مانده است.

ریحانه: ریحانه دختر حسین خوارزمی یکی از چهره‌های دانش دوست قرن پنجم و شاگرد

سپهری، سهراب: سهراب سپهری (۱۳۵۹-۱۳۰۷ ه.ش) شاعر و نقاش مشهور معاصر در کاشان ولادت یافت. او را می‌توان از نخستین کسانی دانست که راه نیما را شناخت و به پیروی از او پرداخت. نخستین مجموعه‌ی شعر نیمایی سپهری به نام «مرگ رنگ» در سال ۱۳۳۰ منتشر شد. آخرین مجموعه‌ی اشعار او «ما هیچ‌ما نگاه» همراه با دیگر اشعارش در مجموعه‌ای به نام «هشت کتاب» منتشر شد.

سعدی: مشرف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی (۶۹۰-۶۰۶ ه.ق) شاعر و نویسنده‌ی بزرگ قرن هفتم است. سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه‌ی نظامیه به تحصیل مشغول شد. در سال ۶۵۵ ه.ق بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان را تألیف کرد. علاوه بر این‌ها قصاید و غزلیات، قطعات و ترجیع‌بند و رباعیات و مقالات و قصاید عربی دارد که همه را در «کلیات» وی جمع کرده‌اند.

سلمان فارسی: یکی از بزرگان صحابه‌ی پیامبر اسلام (ص) و از چهره‌های برجسته‌ی تاریخ اسلام است. نام اصلی او «روزبه» و از ناحیه‌ی اصفهان بود. چون از بزرگان مذهبی آن زمان شنیده بود که ظهور پیغمبر (ص) نزدیک شده است خانه‌ی پدر را ترک گفت و در پی یافتن آن حضرت به سفر پرداخت. در یثرب از ظهور پیغمبر (ص) آگاه شد و اسلام آورد. سلمان پیوسته ملازم و همراه پیامبر بود و نزد ایشان منزلتی خاص داشت؛ طبق روایتی مشهور، رسول اکرم (ص) سلمان را از اهل بیت شمرده‌اند. پس از رحلت پیامبر (ص) سلمان در شمار یاران علی (ع) درآمد. سلمان پس از عمری طولانی در سال ۳۵ یا ۳۶ ه.ق درگذشت. قبر سلمان در مدائن نزدیکی بغداد است.

سنایی غزنوی: ابوالمجد مجدود بن آدم (ولادت: اواسط یا اوایل نیمه دوم قرن پنجم، وفات: بین ۵۲۵ و ۵۴۵ ه.ق) شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم است. در آغاز شاعری مدّاح بود ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد. وی دوست دار آل علی (ع) بود. از آثار او می‌توان به حدیقه‌الحقیقه اشاره کرد.

سنت اگزوپری: آنتوان دوستنت اگزوپری، نویسنده‌ی معروف فرانسوی است (۱۹۴۴-۱۹۰۰م). وی در جوانی به هوانوردی پرداخت. در جنگ دوم جهانی به خدمت ارتش درآمد و در جنگ مفقودالاثر شد. اثر معروف او «شازده کوچولو» است.

سیاوش: سیاوش (دارای اسب سیاه) پسر کیکاوس پادشاه کیانی است. سودابه، زن کیکاوس، عاشق سیاوش شد و سیاوش از او دوری کرد. کیکاوس برای آزمایش سیاوش فرمان داد تا او از میان آتش بگذرد و او سربلند از آزمایش بیرون آمد. سپس به توران زمین رفت و با دختر افراسیاب، فرنگیس، ازدواج کرد ولی به تحریک برادر افراسیاب کشته شد. کیخسرو پسر سیاوش و فرنگیس است.

سیف فرغانی: سیف الدین ابوالحامد محمد فرغانی از شاعران قرن هفتم و اوایل هشتم هجری است که در شهر «آقسرای» (شهری در ترکیه‌ی امروز) متولد شد. تنها اثر بازمانده از سیف، دیوان اوست

که شامل قصاید، غزلیات و رباعیات است. اشعار او از جمله آثار خوب فارسی است.

ص

صفاریان: سلسله‌ای که از ۲۵۴ ه.ق تا ۲۹۰ ه.ق در شرق ایران سلطنت کردند. مؤسس این سلسله یعقوب بن لیث است. چون یعقوب با برادرانش (عمر، علی و طاهر) در سیستان مدتی به رویگری اشتغال داشت، سلسله‌ی وی به صفاریان مشهور گردیده است.

ع

عطار نیشابوری: شاعر و عارف بزرگ ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری است. از آثار عطار: «تذکره الاولیاء» به نثر و «منطق الطیر» به شعر را می‌توان نام برد.

عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر: وی از امرای دانشمند آل زیار (در قرن پنجم هجری) است. فرمانروایی وی منحصر به قسمت محدودی از گرگان و طبرستان بود. عنصر المعالی مردی آگاه و دانشمند بود و به فارسی و طبری شعر می‌سرود. کتاب «قابوس نامه» وی که در حقیقت نصایح و اندرزهای زندگی ساز او خطاب به فرزندش است، از آثار معروف نثر ساده و روان فارسی به‌شمار می‌آید.

غ

غزالی، احمد: احمد بن محمد بن محمد بن محمد فقیه و عارف ایرانی (ف. قزوین ۵۲۰ ه.ق) برادر کوچک‌تر ابو حامد محمد غزالی است. وی مدتی به جای برادرش در نظامیه‌ی بغداد تدریس کرد. سوانح العشاق از آثار اوست.

غزالی، محمد: ابو حامد امام محمد بن محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ه.ق) از دانشمندان معروف دوره‌ی سلجوقی است. وی در فقه و حکمت و کلام سرآمد روزگار خویش بود. پدرش مردی بافنده بود و برخی لقب غزالی را به مناسبت پیشه‌ی او می‌دانند. وی به مدت پنج سال در مدرسه‌ی نظامیه تدریس کرد و در طایران توس درگذشت و همان‌جا مدفون شد. از آثار او می‌توان به کیمیای سعادت، نصیحة الملوک و احیاء علوم الدین اشاره کرد.

ف

فارابی: ابو منصور محمد بن محمد از فیلسوفان بزرگ اسلام در نیمه‌ی دوم قرن سوم و نیمه‌ی اول قرن چهارم هجری است. فارابی همه‌ی کتاب‌های ارسطو را به دقت مورد مطالعه قرار داد و کاملاً بر معانی آن‌ها آگاهی یافت و در شرح و تفسیر آثار ارسطو مهارتی خاص پیدا کرد و بدین جهت او را «معلم ثانی» نامیدند. فارابی مانند همه‌ی دانشمندانی که در تمدن اسلامی عنوان فیلسوف داشته‌اند از همه‌ی

علوم زمان خود آگاه بود. فارابی در حدود صد تألیف دارد که احصاء العلوم از آن جمله است.

فردوسی: فردوسی در روستای باژ واقع در منطقه‌ی توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه مذهب و دلبسته‌ی میراث ملی و فرهنگی ایران کهن بود و به خاندان پیامبر (ص) عشق می‌ورزید. فردوسی ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن اثر عظیم خود، شاهنامه، رنج کشید و در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت به سال ۴۱۱ هـ. ق درگذشت و در زادگاه خود به خاک سپرده شد.

فهمیده، محمدحسین: نوجوان رشیدی که در دوران دفاع مقدس با ایستادگی و فداکاری خویش، حماسه آفرید. محمد حسین فهمیده در سال ۱۳۵۹ هـ. ش به درجه‌ی رفیع شهادت نایل آمد. وی در اردیبهشت سال ۱۳۴۶ هـ. ش در خانواده‌ای مذهبی در محله‌ی پامنار قم دیده به جهان گشود. دوران کودکی خود را در همان شهر گذراند و در سال ۱۳۵۲ به مدرسه رفت. سال پنجم ابتدایی به دلیل انتقال خانواده‌اش به کرج، به این شهر آمد. در بحبوحه‌ی جنگ تحمیلی روح او نیز همچون صدها جوان و نوجوان عاشق این کشور به تلاطم درآمد و در نخستین روزهای جنگ تحمیلی تصمیم گرفت که به جبهه برود. وی با وجود مشکلات فراوان و سن کم، خود را به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل رسانید. در این زمان بود که رشادتهای بسیاری از خود نشان داد و به شهادت رسید. هنگامی که خبر شهادت دلیرانه‌ی آن نوجوان دوازده ساله پخش شد، حضرت امام خمینی (ره) در پیامی فرمودند: «رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم کرد و خود نیز شربت شهادت نوشید».

ک

کاویان: سلسله و تبار معروف پهلوانی در ایران باستان که از خاندان و نسل کاوه‌ی آهنگر پدید آمده‌اند. داستان کاوه‌ی آهنگر و ستم ستیزی و قیام او علیه بیدادگری ضحاک در شاهنامه‌ی فردوسی آمده است.

کمال خُجندی: کمال الدین مسعود عارف و شاعر مشهور قرن هشتم که از شهر خُجند در تاجیکستان امروزی مهاجرت کرد و در تبریز اقامت نمود و به زهد و پارسایی رو آورد و سرانجام در همین شهر درگذشت.

م

مجد خوافی: از علما، عرفا و شعرای قرن هشتم هجری است. کتاب «روضه‌ی خُلد» را در سال ۷۳۳ هـ. ق به سبک گلستان سعدی به رشته‌ی تحریر درآورد و در سال ۷۳۷ آن را کامل کرد روضه‌ی خُلد، در بردارنده‌ی حکایاتی به نثر آمیخته به نظم است.

محمود غزنوی: سلطان محمود غزنوی ملقب به یمن الدوله فرزند ارشد سبکتکین، سومین و مقتدرترین شاه سلسله‌ی غزنوی است. در سال ۳۸۹ هـ. ق پس از شکست دادن عبدالملک بن نوح سامانی، بر خراسان چیره شد. دوازده بار به هندوستان لشکر کشید. به علت کار و مسافرت و لشکرکشی فراوان بسیار ضعیف و دچار بیماری سل شد تا این که قوایش را به کلی از بین

برد و در سال ۴۲۱ هـ.ق از دنیا رفت.

مسعود غزنوی: مسعود غزنوی فرزند سلطان محمود غزنوی پس از مرگ پدر و جلوس برادر، به ادعای سلطنت برخاست و برادر را زندانی کرد و خود به تخت سلطنت نشست. در جنگی که با طغرل سلجوقی داشت، شکست خورد و به طرف هندوستان رفت. در بین راه جمعی از غلامان شورش کردند و مسعود را به زندان انداختند و سپس او را کشتند.

مطهری، مرتضی: (۱۳۵۸-۱۲۹۸ هـ.ش) استاد شهید آیت الله مطهری، در بهمن ماه ۱۲۹۸ شمسی در فریمان خراسان به دنیا آمد. وی یکی از شاگردان برجسته‌ی امام خمینی (ره) بود که به مراتب عالی علمی رسید. آثار او زمینه‌ساز بسیاری از مبانی فرهنگی و دینی انقلاب اسلامی است. این روحانی فرزانه در سال ۱۳۵۸ شمسی به شهادت رسید. برخی از آثار او عبارتند از: خدمات متقابل اسلام و ایران، داستان راستان و تماشاگاه راز.

مولوی: (۶۷۲-۶۰۴ هـ.ق) مولانا جلال الدین محمد بلخی از شاعران و عارفان بزرگ ایران در قرن هفتم است. کتاب عظیم «مثنوی معنوی» با ۲۶۰۰۰ بیت که گنجینه‌ای از معارف اسلام است، معروف‌ترین اثر اوست. آرامگاه او در «قونیه»ی ترکیه واقع است.

میبیدی: ابوالفضل رشیدالدین میبیدی از نویسندگانی است که در نیمه‌ی اول قرن ششم هجری می‌زیسته است. اثر مشهور او که از جمله مشهورترین تفسیرهای فارسی است، در حقیقت شرح کتاب و سخنان خواجه عبدالله انصاری در تفسیر قرآن کریم است.

ن

ناصر خسرو: حکیم ابومعین ناصر بن حارث قبادیانی از شاعران و نویسندگان ایران در قرن پنجم بود. وی در سال ۳۹۴ در قبادیان بلخ به دنیا آمد. ناصر خسرو در علوم و فنون متداول زمان خود استاد بود، قرآن را از حفظ داشت و در علم کلام، حکمت و ادیان مطالعات عمیقی داشت که آثار آن در اشعارش نمایان است. برخی از آثار او عبارت‌اند از: «دیوان اشعار»، «سفرنامه».

نصر سامانی، امیر: نصر بن احمد پس از احمد سامانی به سال ۳۰۱ هجری به سلطنت رسید. وی در حدود سی و یک سال حکومت کرد. در زمان او سرکشی‌های حاکمان سرزمین‌های اطراف شروع شده بود و نصر به کمک وزیران دانشمند خود همه‌ی این فتنه‌ها را فرو نشاند.

نظامی عروضی: نویسنده و شاعر قرن ششم هجری است. در اواخر قرن پنجم در سمرقند ولادت یافت. اثر مشهور او کتاب مجمع التوادر یا «چهار مقاله» است که درباره‌ی: دبیری، شاعری، نجوم و طبابت نوشته شده است.

نوح: یکی از پیامبران اولوالعزم که سال‌ها قوم خود را به راه راست دعوت کرد، اما آنان هم‌چنان بر کج رفتاری اصرار ورزیدند. آن‌گاه خداوند نوح را از طوفانی عظیم باخبر ساخت و نوح با ساختن کشتی پیروان و خاندان خود و انبوهی از جانداران را از هلاکت نجات بخشید.

وَرَاوینی، سعدالدین: یکی از دانشمندان اهل وراوین در نزدیکی آهر که در قرن ششم می‌زیست و کتاب «مرزبان‌نامه» اثر مرزبان بن رستم شروین پیرم را که به زبان طبری (مازندرانی کهن) بود، به فارسی برگرداند.

هراتی، سلمان: سلمان قنبر هراتی (آذرباد) در سال ۱۳۳۸ ه.ش، در روستای «مَرَدَشْت» تنکابن، در خانواده‌ای مذهبی پا به عرصه‌ی وجود نهاد. دوران ابتدایی را در روستا گذراند و از همان ابتدای جوانی، به دلیل فقر مادی، به شاگردی می‌پرداخت و یا با چوپانان محلی (گالش‌ها) به چوپانی می‌رفت و از همین رهگذر با ترانه‌های محلی آشنایی پیدا کرد. از سال ۱۳۵۲ به نوشتن روی آورد و سرودن شعر را آغاز کرد. فوق دیپلمش را در سال ۱۳۶۲ در رشته‌ی هنر گرفت و سپس به کار تدریس هنر در یکی از روستاهای تنکابن مشغول شد. سلمان با شعر ارزشی انقلاب، پیوندی ناگسستنی داشت؛ صمیمیت، سادگی و بی‌پیرایگی در اشعارش موج می‌زند. از سلمان هراتی سه مجموعه با نام‌های «از این ستاره تا آن ستاره»، «از آسمان سبز» و «دری به خانه‌ی خورشید» به چاپ رسیده است. سلمان در ششم آبان ماه ۱۳۶۵ ه.ش در راه رفتن به مدرسه‌ی محل کار خود بر اثر تصادف، جان باخت. آرامگاه وی در حوالی شهر تنکابن واقع شده و بیت زیر بر سنگ مزارش نوشته شده است:

آه از پاییز سرد، ای کاش من
از تو باغی دهم ساربان داشتم

هوگو، ویکتور: (۱۸۰۲-۱۸۸۵ م) از مشهورترین شاعران قرن نوزدهم فرانسه و از بزرگ‌ترین نویسندگان و ادبای اجتماعی جهان است. وی مردی آزادمش و آزادی‌خواه و طرفدار جدی اصلاحات اجتماعی به نفع طبقات محروم و زحمت‌کش بود: «بینوایان»، از آثار معروف اوست.

یوسف (ع): حضرت یوسف فرزند یعقوب (ع) است. در خردسالی چون پدرش به او سخت محبت داشت، دیگر برادران به او حسد بردند و او را با خود به صحرا بردند و به چاهی افکندند. گروهی از کاروانیان او را از چاه درآورده، در مصر فروختند. یوسف پس از مدتی که دچار سختی‌های فراوان گردید و به زندان افتاد، به مقام فرمانروایی (عزیزی) کشور مصر نایل آمد. یعقوب، به سبب دل بستگی به یوسف از شدت گریه و زاری در فراق وی بینایی خویش را از کف داده بود.

آثار

آ-ا

از آسمان سبز: مجموعه شعری از سلمان هراتی شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی.

اخلاق ناصری: کتابی است نوشته‌ی نصیر الدین توسی به فارسی که در نهایت زیبایی سخنان افلاطون و ارسطو را در حکمت عملی بررسی کرده و نظریات پیشینیان را شرح داده است.

اسفار: یا اسفار اربعه (سفرهای چهارگانه) کتابی است فلسفی، تألیف صدرالدین شیرازی که در آن شرح چهار سفر روحانی آمده است.

الآبْنِیْه عَنْ حَقَائِقِ الْأَدْوِیْه: این کتاب را ابو منصور موفق هروی در خواص گیاهان و داروها (و در واقع، درباره‌ی علم داروشناسی) در عهد منصور بن نوح سامانی تألیف کرده است. نثر علمی فارسی با کتاب الانبیه آغاز می‌شود.

التفهیم: «التفهیم لاوایل صناعة التنجیم» از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که ابوریحان بیرونی در زمینه‌ی دانش ستاره‌شناسی و نجوم به نثر دل‌انگیز فارسی نوشته است.

الهی نامه: کتابی مختصر از خواجه عبدالله انصاری در ستایش پروردگار با مضامین عارفانه که نثری مسجع و آهنگین دارد.

امدادهای غیبی در زندگی بشر: کتابی از شهید مرتضی مطهری که در حقیقت مجموعه‌ی چند گفتار ایشان است.

ب

بوستان: یکی از آثار سعدی شیرازی و مثنوی حکمی و اخلاقی است که در سال ۶۵۵ سروده شده و دارای ده باب است.

ت

تاریخ بیهقی: اثر ارجمند ابوالفضل بیهقی، دبیر دیوان رسایل پادشاهان غزنوی است که تاریخ غزنویان را در سی مجلد به رشته تحریر درآورده است. متأسفانه کتاب بیهقی به‌طور کامل به دست ما نرسیده و در روزگاران گذشته بخش عمده‌ای از آن از میان رفته است.

تذکره الاولیا: کتابی است تألیف شیخ فرید الدین عطار نیشابوری در شرح حال بزرگان عرفان و تصوف.

چ

چهار مقاله: کتابی است تألیف نظامی عروضی سمرقندی مشتمل بر چهار گفتار درباره‌ی دبیران و شاعران و منجمان و طبیبان که در ابتدا «مجمع التوادر» خوانده می‌شد.

ش

شازده کوچولو: نام کتابی از آنتوان دو سنت اگزوپری نویسنده‌ی فرانسوی. «شازده کوچولو» اثری خیال انگیز و زیباست که در خلال آن عواطف بشری به ساده‌ترین شکل، تجزیه و تحلیل شده است و افرادی که بر اثر غوطه‌ور شدن در علائق مادی و پول پرستی از سجایای انسانی به دور افتاده‌اند تحت نام آدم‌های بزرگ به باد مسخره گرفته شده است.

شفا: یکی از کتاب‌های ابوعلی سینا به زبان عربی است و از مهم‌ترین کتب فلسفی اسلام به‌شمار می‌آید.

ف

فرج بعد از شدت: ترجمه‌ای است از کتاب «الفرج بعد الشدة». این کتاب چند بار به فارسی ترجمه شده از جمله‌ی آن‌ها ترجمه‌ی محمد عوفی است که مکرر به طبع رسیده است.

ق

قابوس نامه: کتابی است به فارسی تألیف عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر، نام قابوس نامه از نام نویسنده که در تاریخ به قابوس دوم معروف است گرفته شده. کتابی اخلاقی و تربیتی است و آن را برای تربیت فرزندش نوشته است.

قانون: کتابی است در طب اسلامی به زبان عربی و آن مفصل‌ترین کتاب طبّی ابن سیناست و سال‌ها در کشورهای اسلامی و اروپایی تدریس می‌شده است.

ک

کشف الاسرار: «کشف الاسرار و عده‌الابرار» تفسیری است به فارسی به قلم میدی که آن را تحت تأثیر تفسیر خواجه عبدالله انصاری نوشته است.

کلیله و دمنه: کتابی است شامل مجموعه داستان‌هایی که حیوانات قهرمانان آن هستند. اصل این کتاب هندی بوده که در روزگار ساسانیان به پهلوی ترجمه شده است. بعدها نصرالله منشی آن را

از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

کیمیای سعادت: کتابی است اخلاقی و دینی به زبان فارسی تألیف محمد غزالی. نویسنده عمده‌ی محتویات آن را از کتاب دیگر خود به نام «احیاء العلوم» که به عربی نوشته شده بود به طور خلاصه به فارسی نقل کرده است.

م

مثنوی معنوی: کتاب منظوم و گرانقدر مولوی، شامل حکایاتی است که مولانا با بیان آن‌ها مسایل دینی و عرفانی و حقایق معنوی را به زبان ساده و از راه تمثیل بیان می‌کند. مثنوی در ۲۶ هزار بیت و در شش دفتر سروده شده است.

مخزن الاسرار: مثنوی مخزن الاسرار سروده‌ی نظامی گنجه‌ای و در حدود ۲۲۶۰ بیت در اخلاق و مواعظ و حکم است که در حدود سال ۵۷۰ ه.ق به اتمام رسید.

مرزبان نامه: کتابی است به شیوه‌ی «کلیله و دمنه» که مرزبان بن رستم شروین پَریم یکی از اسپهبدان مازندران آن را به زبان مازندرانی کهن (طبری) نوشته بود و سعدالدین وراوینی آن را به پارسی دری برگرداند. این کتاب مشتمل بر داستان‌ها و تمثیل از زبان حیوانات است.

مکان

ا

الوند: کوهی است در جنوب همدان به ارتفاع ۳۷۴۶ متر که جنس آن از سنگ‌های خارا و کوارتز است. الوند دارای درّه‌های سرسبز و خزّم و آب‌های فراوان است و در دامنه معادن متعدد دارد.

ب

بصره: شهری است در کشور عراق در کنار شطّ العرب در نزدیکی خرمشهر.
بغداد: پایتخت کشور عراق در ساحل دجله که سابقاً پایتخت خلفای عباسی بوده است. واژه‌ی بغداد در زبان فارسی به معنی «خدا آفریده، خدا داده» است.
بیت المقدّس: پایتخت و مرکز کشور فلسطین و به معنی خانه‌ی مقدّس است. این مکان عزیز، اکنون در اشغال رژیم صهیونیستی است.

ت

تبریز: یکی از شهرهای بزرگ ایران که در تقسیمات امروزی مرکز استان آذربایجان شرقی است. کمال خجندی از شاعران بزرگ قرن هشتم در همین شهر درگذشت.
توس: یکی از شهرهای قدیمی خراسان و سابقاً به ناحیه‌ای اطلاق می‌شد که شهر نوقان و طابران و قریه‌ی سناباد (مدفن امام رضا (ع) و هارون) در آن بود. گروهی از بزرگان بدان منسوبند. از جمله جابر بن حیّان و فردوسی.

ث

ثریا: پروین، خوشه‌ی پروین، نرگسه‌ی چرخ، شش ستاره که در کوهان نور قرار دارد.

ح

حسنک: ابوعلی حسن بن محمد میکال مشهور به حسنک وزیر، مردی فاضل و دانشمند در روزگار غزنویان بود. سلطان محمود غزنوی او را به وزارت برگزید، پس از آن، هنگامی که سلطان

مسعود به پادشاهی رسید، بر اثر سخن چینی و بدخواهی دیگران، اموال و وزارت حسنک را از او گرفت و سرانجام در سال ۴۲۵ ه.ق او را به دار آویخت.

خ

خراسان: خورآسان، شرق، هم اکنون سه استان کشور به این نام مشهورند. خراسان رضوی که مرکز آن مشهد مقدس است. خراسان شمالی که مرکز آن بجنورد و خراسان جنوبی که مرکز آن بیرجند است.

خرمشهر: یکی از بنادر مهم ایران در استان خوزستان است که در دوران دفاع مقدس رشادت‌ها و فداکاری‌های فراوانی از جوانان رزمنده‌ی میهن اسلامی را شاهد بوده است. اکنون هر ساله، روز سوم خرداد را به عنوان روز مقاومت و آزادی خرمشهر گرامی می‌داریم.

خزر: دریا و یا به تعبیری بزرگ‌ترین دریاچه‌ی جهان که در شمال ایران قرار دارد. از این دریاچه به نام‌های دیگری مانند دریای مازندران، دریای آبسکون نیز یاد کرده‌اند.

خلیج فارس: خلیجی است در جنوب ایران که بیش از ۲۵۱۲۲۶ کیلومتر مربع مساحت دارد. این خلیج از نظر موقعیت خاص و ممتاز خود همواره مورد توجه و محل رفت و آمد ملل مختلف جهان است. علاوه بر ذخایر ماهی در آب‌های خلیج فارس، بزرگ‌ترین منابع نفتی جهان در آن است.

خوارزم: سرزمینی است در جنوب رودخانه‌ی جیحون (آمودریا) در قسمت مرکزی آسیا که از قدیم مهد تمدن قوم آریایی بوده است. از شهرهای مهم آن سرزمین می‌توان به شهر «گرگانج» اشاره کرد.

د

دماوند: بلندترین قله‌ی سلسله جبال البرز در شمال ایران و بلندترین قله‌ی کشور. در افسانه‌ی ملی ایران دماوند و رشته کوه البرز صحنه‌ی وقایعی است که فردوسی آن‌ها را در شاهنامه جاودانه ساخته است.

ر

روم (رَم): پایتخت کشور باستانی ایتالیا که هزار سال پایتخت امپراطوری روم بود. این کشور بناها و کاخ‌ها و موزه‌های بسیاری دارد.

ری: منطقه‌ای وسیع و بزرگ در جنوب تهران امروزی، مرکز این ناحیه‌ی تاریخی «شهری» است. این شهر، تاریخی بسیار کهن دارد. مزار «حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)» و جمعی از بزرگان در این شهر واقع شده است، به همین سبب در گذشته «حضرت عبدالعظیم» هم نامیده می‌شد. فرهنگستان به مناسبت نام قدیم، آن را «شهر ری» نامید.

س

سوسنگرد: شهری است در کنار رود کرخه در ۷۵ کیلومتری شمال غربی اهواز و مانند دیگر نقاط جلگه‌ی خوزستان گرمسیر است. این شهر در دوران دفاع مقدس با دلاوری‌های فرزندان ایران، از چنگ رژیم صدام آزاد شد.

سهند: کوه آتش‌فشان قدیمی و خاموش که مخروطی شکل است و در جنوب آذربایجان میان تبریز و مراغه واقع است.

سیحون: رودی که از ارتفاعات فلات مرکزی ایران سرچشمه می‌گیرد و در آسیای مرکزی به دریای خوارزم (دریاچه‌ی آرال) می‌ریزد، نام دیگر آن «سیردریا» است.

ف

فارس: استانی در جنوب ایران که به نام قومی از اقوام ایرانی است. مرکز این استان شیراز است. این ناحیه از قدیمی‌ترین مراکز تمدن ایران محسوب می‌شود. از آثار تاریخی این استان: تخت جمشید، بازار، مسجد و ارک و کیل را می‌توان نام برد.

ق

قصر شیرین: شهرستانی است که از شمال غربی به کرمانشاه، از جنوب به ایلام، از مشرق به بخش گیلان و کرد، از مغرب و شمال به کشور عراق محدود است و آن شامل بخش‌های سومار و سرپل ذهاب و بخش مرکزی است.

ک

کارون: رودی پُر آب در خوزستان که از زرد کوه بختیاری سرچشمه می‌گیرد.

کنعان: نام قدیم سرزمین فلسطین یا «ارض موعود»، یوسف پیامبر (ع)، اهل کنعان بوده است.

م

مریوان: یکی از شهرهای استان کردستان که دریاچه زیبای «زریوار» در کنار آن جای دارد. این شهر نیز همچون بسیاری از شهرهای میهن عزیز ما در دوران هشت ساله‌ی دفاع مقدس دلاوری‌ها از خود نشان داده است و خاطرات بی‌شماری از رشادت‌های جوانان را به یاد دارد.

مقدونیه: ناحیه‌ای قدیمی در اروپا در شمال کشور یونان، اسکندر سردار سپاه یونان از همین ناحیه بوده است.

فهرست کتاب‌های متناسب با برنامه‌ی درسی فارسی

ردیف	نام کتاب	نویسنده یا مترجم	ناشر	سال انتشار
۱	امیر کوچولوی هشتم (رمان نوجوان)	حسین فتّاحی	قدیانی	۱۳۷۹
۲	افسانه‌ی سیمرغ	بازنویسی: زهرا خانلری	علمی فرهنگی	-
۳	به دنبال فردوسی	محمد حسینی	ققنوس	۱۳۸۴
۴	پرورش فکری و آشنایی با انسان‌نویسی	علی فرّخ مهر	انتشارات عابد	۱۳۷۹
۵	پلو خورش (مجموعه داستان‌های کوتاه)	هوشنگ مرادی کرمانی	معین	۱۳۸۶
۶	جنگ پاره‌نه	رحیم مخدومی	سوره‌ی مهر	۱۳۸۷
۷	حکایت‌های دهخدا (گزیده‌ی حکایت‌های تربیتی)	محمدحسین صفاخواه	قدیانی	۱۳۸۱
۸	خداوندگار کوچک	محمدعلی شاکری یکتا	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	۱۳۸۵
۹	در تکاپوی معنا	ترینا پالاس، برگردان: طیبه زندی	میترا	۱۳۸۶
۱۰	درخت بخشنده	شل سیلور استاین/علی اکبر جعفرزاده	نمایشگاه کتاب کودک	۱۳۷۸
۱۱	در مدرسه‌ی پیر نیشابور	محمود حکیمی	قلم	۱۳۸۵
۱۲	در مدرسه‌ی حکیم سنایی	محمود حکیمی	قلم	۱۳۸۷
۱۳	دود پشت تپه	محمدرضا بایرامی	قدیانی	۱۳۸۸
۱۴	راویان آثار	فریدون اکبری شیلدره‌ای	نشر چشمه	۱۳۸۶
۱۵	راهنمای عملی روش‌های فعال و اکتشافی در آموزش	منوچهر فضل‌ی خانی	آزمون نوین	۱۳۸۶
۱۶	رد پای اندیشه	بهرام محمدیان	سوسن	۱۳۸۵
۱۷	شاهکارهای موضوعی شعر فارسی (مجموعه)	گردآوری جمعی از نویسندگان	مدرسه	۱۳۸۷
۱۸	عطر یاس	مهدی نوید	انتشارات مدرسه	۱۳۷۹
۱۹	غیر از خدا هیچ کس نبود	رضا رهگذر	سوره‌ی مهر	۱۳۸۷
۲۰	قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب (مجموعه‌ی هفت جلدی)	مهدی آذرزیدی	کتاب‌های شکوفه وابسته به امیرکبیر	۱۳۸۷

سال انتشار	ناشر	نویسنده یا مترجم	نام کتاب	ردیف
۱۳۸۱	افق	آتوسا صالحی	قصه‌های شاهنامه (به روایت)	۲۱
۱۳۷۶	پیدایش	محمد کاظم مزینانی	قصه‌های شیرین فیه مافیه مولوی	۲۲
۱۳۸۷	پیدایش	بازنویسی: جعفر ابراهیمی (شاهد)	قصه‌های شیرین مثنوی مولوی (جلد ۴)	۲۳
۱۳۸۶	محراب قلم	رضا شیرازی	قصه‌های مثنوی	۲۴
۱۳۸۴	منادی تربیت	مهدی مرادحاصل	گذری بر زندگی چهارده معصوم	۲۵
۱۳۸۶	مدرسه	جعفر ابراهیمی (شاهد)	لیخند شب‌نم‌ها	۲۶
—	انتشارات مدرسه	جمعی از مؤلفان	مجموعه کتاب‌های فرزندانگان و چهره‌های درخشان	۲۷
۱۳۸۰	تیرگان	زینب یزدانی	مشاهیر ایرانی (مجموعه‌ی مشاهیر)	۲۸
۱۳۸۵	انتشارات مدرسه	داریوش عابدی	مولوی	۲۹
۱۳۸۷	سوره‌ی مهر	رضا رهگذر	مهاجر کوچک	۳۰

فهرست منابع

- ابوریحان و ریحانه، معتمدی، اسفندیار، انتشارات مدرسه، چاپ سوم، س ۱۳۸۶.
- از ساقه تا صدر (شعر و زندگی شعراى تاجیکستان در قرن بیستم)، موسوی گرماردی، سیدعلی، انتشارات قدیانی، تهران، چاپ اول، س ۱۳۸۴.
- امدادهای غیبی در زندگی بشر، مطهری، مرتضی، انتشارات صدرا، قم، سال ۱۳۵۴.
- پیام پیامبر (مجموعه‌ای از نامه‌ها، خطبه‌ها، وصایا و سخنان حضرت محمد (ص)) ترجمه و تدوین: خزمشاهی، بهاء الدین و انصاری، مسعود، انتشارات جامی، چاپ اول، تهران، س ۱۳۷۶.
- تاریخ بیهقی، بیهقی، ابوالفضل، به کوشش علی اکبر فیاض، نشر علم، چاپ چهارم، س ۱۳۷۴.
- تذکرة الاولیا، عطار نیشابوری، فرید الدین محمد، به تصحیح محمد استعلامی، انتشارات زوّار، چاپ هفتم، س ۱۳۷۲.
- چشمه‌ی روشن، یوسفی، غلامحسین، انتشارات علمی، چاپ ششم، س ۱۳۷۴.
- چهار مقاله، نظامی عروضی سمرقندی، به اهتمام محمد معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم، س ۱۳۶۹.
- حرفی از جنس زمان، میرجعفری، سید اکبر، نشر قو، چاپ اول، س ۱۳۷۶.
- خمسه‌ی نظامی، حکیم نظامی گنجوی، به کوشش وحید دستگردی، انتشارات علمی، بی تا.
- داستان‌هایی برای فکر کردن، رابرت فیشر، ترجمه‌ی سید جلیل شاهری لنگرودی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، س ۱۳۸۶.
- در حیات کوچک پاییز در زندان، اخوان ثالث، مهدی، انتشارات بزرگ مهر، تهران چاپ پنجم، س ۱۳۶۹.
- دیداری با اهل قلم، یوسفی، غلامحسین، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، س ۱۳۶۱.
- دیوان امام (مجموعه اشعار امام خمینی (ره))، ناشر مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ پنجم، پاییز س ۱۳۷۴.
- دیوان حافظ، خواجه شمس الدین محمد، به اهتمام محمد قزوینی — قاسم غنی، انتشارات زوّار، چاپ اول، س ۱۳۶۹.
- دیوان سنایی، ابوالمجد محدود بن آدم سنایی، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر، س ۱۳۳۶.
- دیوان ملک الشعراى بهار، انتشارات توس، چاپ دوم، س ۱۳۶۸.
- دیوان ناصر خسرو قبادیانی، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ پنجم، س ۱۳۷۸.
- زنان نامدار شیعه، عیسی فر، احمد، انتشارات رایحه‌ی عترت، چاپ سوم، س ۱۳۸۷.
- شازده کوچولو، آنتوان دوست اگزوپری، ترجمه‌ی احمد شاملو، انتشارات نگاه، چاپ دوم، س ۱۳۷۶.
- شاهنامه (نامه‌ی باستان)، فردوسی، ابوالقاسم، به کوشش میر جلال الدین کزازی، انتشارات سمت، تهران، س ۱۳۸۶.

- شهری در آسمان، آوینی، سید مرتضی، انتشارات روایت فتح، تهران، چاپ اول، س ۱۳۸۳.
- فرج بعد از شدت، ابوعلی محسن تئوخی، به کوشش اسماعیل حاکمی، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، س ۱۳۵۵.
- فصلنامه‌ی هستی، اسلامی ندوشن، محمد علی، دوره‌ی دوم، سال دوم، شماره‌ی ۳، پاییز س ۱۳۸۰.
- قابوس‌نامه، عنصر المعالی کیکاووس، به تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، س ۱۳۷۳.
- قصه‌های شیرین مثنوی مولوی، بازنویس: جعفر ابراهیمی (شاهد)، (مجموعه‌ی چهار جلدی)، نشر پیدایش، چاپ دوم، س ۱۳۸۷.
- کشف الاسرار و عدة الأبرار، میبدی، ابوالفضل رشید الدین، به اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، س ۱۳۶۱.
- کلیله و دمنه، نصرالله منشی، تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات امیرکبیر، تهران، س ۱۳۷۰.
- کلیات سعدی، مصلح بن عبدالله، تصحیح محمد علی فروغی، انتشارات ققنوس، چاپ ششم، س ۱۳۷۶.
- کیمیای سعادت، غزالی، امام محمد، تصحیح حسین خدیو جم، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم، س ۱۳۸۰.
- کودکی از جنس نارنجک، گودرزی دهریزی، محمد، نشر روزگار، چاپ اول، س ۱۳۸۷.
- گزینه اشعار قیصر امین پور، انتشارات مروارید، تهران، چاپ ششم، س ۱۳۸۲.
- گنجینه‌ی سخن (منتخب آثار پارسی نویسان بزرگ)، صفا، ذبیح الله، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، س ۱۳۶۳.
- گنج سخن (منتخب آثار شاعران بزرگ پارسی‌گوی)، صفا، ذبیح الله، انتشارات ققنوس، چاپ هشتم، س ۱۳۶۷.
- مثنوی معنوی، مولانا جلال الدین بلخی، تصحیح نیکلسون، انتشارات مولی، تهران، چاپ هشتم، س ۱۳۷۰.
- مجموعه‌ی کامل شعرهای سلمان هراتی، نشر دفتر شعر جوان، تهران، چاپ اول، س ۱۳۸۰.
- مرزبان‌نامه، سعدالدین راونی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ چهارم، س ۱۳۷۰.
- نیایش‌نامه (مجموعه‌ی شش جلدی گزیده‌ای از نیایش‌های منظوم و منثور ایران و جهان)، تحقیق و تدوین سید رضا باقریان و جمعی از نویسندگان، ناشر مؤسسه‌ی فرهنگی دین پژوهی بشرا، تهران، چاپ اول، س ۱۳۸۷.
- هشت کتاب، سیهری، سهراب، انتشارات طهوری، تهران، چاپ دوازدهم، س ۱۳۶۲.

